

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۳

راهکارهای تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در آموزش و پرورش

علی نقی فقیهی*

رضا جعفری هرندی**

ملیحه بادی***

فاطمه سادات بی‌طرفان****

چکیده

مسئله مهدویت در عصر حاضر، موضوعی همگانی و فراگیر است و در واقع، به آرمانی جهانی تبدیل شده است. این اعتقاد سبب توجه روزافزون منتظران و به‌ویژه شیعیان به موضوع مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام شده است. در میان وظایف منتظران، مهم‌ترین وظیفه، ایجاد جامعه‌ای منتظر است که یکی از الزامات آن، تربیت افراد جامعه منتظر به صورت مهدوی است. تربیت افراد به اشکال گوناگونی صورت می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن، «تربیت اخلاقی» است؛ تربیتی که در سرنوشت انسان و جامعه نقشی مهم دارد و به دلیل این اهمیت است که از دیرباز مورد توجه ویژه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده و هست. موفقیت تربیت اخلاقی بیش از هر چیز، مرهون زمینه مناسب آن است. از این رو، ارائه راهکارهای مناسب آن به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش کشور - که بخش اعظمی از تربیت انسان‌ها را بر عهده دارد - ضروری به نظر می‌رسد. هدف از

* دانشیار دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (an-faghihi@qom.ac.ir).

** استادیار دانشگاه قم.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه قم.

**** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه کاشان.

این پژوهش، بررسی راهکارهای تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در نظام آموزش و پرورش است و روش تحقیق، از نوع توصیفی-اسنادی است. ایجاد فضای اخلاقی در مدارس و محیط‌های آموزشی، محبت و احسان، روش‌های پرورش آگاهی و بصیرت اخلاقی، روش‌های پرورش گرایش‌ها و عادات مطلوب اخلاقی و روش‌های اصلاح رذایل، از جمله راهکارهای مورد تأکید در این پژوهش به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی

تربیت، اخلاق، زمینه‌سازی، آموزش و پرورش، راهکارها.

مقدمه

از جمله وظایف منتظران در عصر غیبت، ایجاد جامعه‌ای منتظر است. ساخت چنین جامعه‌ای ایده‌آل نیاز به الزاماتی دارد که یکی از این الزامات، تربیت مهدوی افراد جامعه منتظر است. چنان که می‌دانیم، تربیت امری بسیار حساس و ظریف است. از این رو وظیفه تربیت افراد به مسئولان متخصص واگذار شده و آنان در صورتی می‌توانند تربیت مهدوی افراد را به سرانجام رسانند که خود نیز تربیت مهدوی شده باشند.

تربیت، ابعاد و ساحت‌های گوناگونی دارد. از جمله مهم‌ترین ابعاد تربیت، «تربیت اخلاقی» است. تربیت، ابعاد مختلفی همچون بُعد جسمانی، دینی، عرفانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، سیاسی-حکومتی و اخلاقی دارد که به تناسب آن، زمینه‌سازی نیز در این ابعاد می‌تواند صورت گیرد. اما بُعد اخلاقی تربیت به عنوان یکی از ابعاد مهم و اساسی در تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌رود. اخلاق و تربیت اخلاقی، به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده است. پرداختن به تربیت اخلاقی در دین اسلام اهمیتی ویژه دارد؛ به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصلی‌ترین هدف خویش را کامل کردن مکارم و خوبی‌های اخلاق برمی‌شمرد:

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي بِهَا؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۱: ۴۲۰)

بر شماست به خوبی‌های اخلاق؛ پس به درستی که خداوند مرا به آن برانگیخت.

از این رو، برای شکل‌گیری جامعه‌ای ایده‌آل مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام شکل‌گیری تربیت صحیح، مستلزم فراهم کردن مقدمات آن است. در این باره، نهادهای مختلفی نقش دارند که می‌توان به نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، جامعه و...

اشاره کرد. از جمله نهادهای مهم و تأثیرگذار در تربیت پس از خانواده، آموزش و پرورش است؛ زیرا به سبب الگوتلبی و الگوپذیری آدمی - که ریشه در فطرتش دارد - تأثیر عناصر گوناگون مدرسه و تعلیم و تربیت زمینه‌ساز بر انسان بسیار است. همچنین این نهاد می‌تواند استعداد های آدمیان را در جهت مثبت و منفی سامان داده و اشخاص عالیم، عاقل، متفکر، مذهب، موحد، عدالت‌جو، فداکار یا خلاف این‌ها را تحویل جامعه دهد (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

موفقیت تربیت اخلاقی بیش از هر چیز، مرهون زمینه مناسب آن است. از این رو، ارائه راهکارهای مناسب آن به ویژه در نظام آموزش و پرورش کشور - که وظیفه تربیت بخش اعظمی از افراد را پس از خانواده بر عهده دارد - ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در این پژوهش، نخست به مفهوم‌شناسی اخلاق و علم اخلاق و سپس به بحثی کوتاه درباره موضوعات مهمی همچون تربیت اخلاقی، زمینه‌سازی در آموزش و پرورش، رابطه اخلاق و اهداف آموزش و پرورش، اخلاق و محتوای تعلیم و تربیت و اخلاق و مقررات آموزشی پرداخته شده و در پایان، راهکارهای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با توجه به آموزه‌های دین اسلام ارائه گردیده است.

اهداف و روش پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی راهبردهای تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در آموزش و پرورش است. روش پژوهش نیز از نوع توصیفی - اسنادی است؛ زیرا هدف، توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد نظر است. گردآوری اطلاعات نیز از بررسی‌های کیفی و روش کتابخانه‌ای با استناد به مقالات و پژوهش‌های مختلف و کتب روایی شیعه صورت گرفته است.

مفهوم‌شناسی اخلاق و علم اخلاق

«اخلاق» جمع «خُلُق» و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. در مقابل، «خَلَق» به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۵۹). همچنین «خُلُق» را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ انجام می‌دهد. مثلاً فردی که دارای «خُلُق شجاعت» است، در رویارویی با دشمن، تردید به خود راه نمی‌دهد. این حالت استوار درونی، ممکن است در فردی به طور طبیعی، ذاتی و فطری وجود داشته باشد؛

مانند کسی که به سرعت عصبانی می‌شود یا به اندک بهانه‌ای شاد می‌گردد. منشأهای دیگر خُلق، وراثت و تمرین و تکرار است؛ مانند این که نخست با تردید و دودلی اعمال شجاعانه انجام می‌دهد تا به تدریج و بر اثر تمرین، در نفس او صفت راسخ شجاعت به وجود می‌آید؛ به طوری که از این پس بدون تردید، شجاعت می‌ورزد (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۵۱). صفت راسخ درونی، ممکن است «فضیلت» و منشأ رفتار خوب باشد یا «رذیلت» و منشأ کردار زشت. به هر روی، بدان «خُلق» گفته می‌شود (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۶).

«علم اخلاق» علمی است که از انواع صفات و افعال خیر و شر انسان بحث می‌کند؛ یعنی آدمی را به حُسن و قُبْح افعال آشنا نموده و حدود وظایف و تکالیف بد و خوب را مشخص می‌کند. علم اخلاق با تعیین حدود افعال، زمینه انتخاب آگاهانه و ارزشمند را به وجود می‌آورد؛ به ویژه در زمینه غرایز، عواطف، سالم‌سازی شخصیت و پی‌ریزی روابط و مناسبات سالم اجتماعی نقشی اساسی دارد (هاشمی ورکاوندی، ۱۳۶۷: ۱۲۱).

وظیفه علم اخلاق، کار عملی بر روی فضیلت‌ها و رذیلت‌هاست؛ مانند دسته‌بندی فضایل و رذایل اخلاقی اولویت‌بندی آن‌ها، کیفیت کسب فضیلت‌ها، چگونگی از بین بردن رذیلت‌ها و بررسی علل و عوامل جذب فضایل و رفع رذایل (نصر اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۴) و در واقع، غایت علم اخلاق آن است که از این انسان چیزی بسازیم که هیچ عمل او از حکمت و شناخت و بصیرت و هدایت خارج نباشد (حائری شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۴).

تربیت اخلاقی

واژه تربیت از ریشه «رَبَوَ» و باب تفعیل است و با توجه به ریشه آن به معنای فراهم آوردن اسباب فزونی و پرورش است و از این رو به معنای تغذیه طفل به کار می‌رود. افزون بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز به کار رفته که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. اما در قرآن، مفهوم تربیت از ریشه رَبَوَ چندان مورد توجه قرار نگرفته (باقری، ۱۳۹۱: ۵۲-۵۱) و مشتقات این مفهوم تنها در دو آیه از قرآن ذکر شده است؛ آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾؛ (اسراء: ۲۴)

و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا، همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!

﴿قَالَ أَلَمْ نُزَيِّدْكَ فِينَا وَلَيْدًا وَلَيْسَتْ فِينَا مِنْ عُمَرِكَ سِنِينَ﴾؛ (شعراء: ۱۸)

[فرعون به موسی علیه السلام] گفت: آیا ما تورا در کودکی نپروردیم و سالیانی از عمرت را در نزد ما نماندی؟

افزون بر این، واژه تربیت از ریشه دیگری نیز به کار می‌رود و آن ریشه «رب» است و در کتاب‌های لغت، دارای معانی متعددی همچون سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، تأدیب، چیزی را ایجاد و انشا کردن و به تدریج از حالت نقص به حد تمام رساندن و سوق دادن شیء به سمت کمال و رفع نقایص است. به نظر می‌رسد معنای تربیت از ریشه «رب» همین معنای اخیر است و سایر معانی همه از آثار و لوازم این معنا باشد؛ زیرا در تمام معانی مذکور، به گونه‌ای معنای تدبیر برای سوق دادن به سوی کمال وجود دارد. در واقع، مشتقات کلمه تربیت از ریشه «رب»، مانند ربوبیت، رب، مربوب، ربانی، ربیون و ارباب، در متون اسلامی فراوان به کار رفته است (ضرابی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

تربیت در اصطلاح نیز عبارت است از فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت‌پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌هایش را بروز دهد (مصباح، ۱۳۸۲: ۳۷).

تربیت اخلاقی، بخشی مهم از علم اخلاق را تشکیل می‌دهد و چون مباحث آن عمدتاً ناظر به راهکارهای عملی و ارائه توصیه‌هایی در باب عمل است، گاهی از این بخش با نام «اخلاق عملی» یاد می‌شود. در مقابل، به آن بخش از مباحث اخلاقی که به توصیف خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی می‌پردازد، «اخلاق نظری» می‌گویند (دیلیمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۸).

بدین ترتیب، تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است که در آن ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری اخلاق مورد توجه قرار گرفته است (داودی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۱). در این راستا نظام آموزشی نیز به سراغ تربیت اخلاقی رفته و در هدف‌گذاری خود برای همه دوره‌های تحصیلی اهداف اخلاقی را پیش‌بینی کرده است. شورای عالی آموزش و پرورش - که وظیفه قانون‌گذاری برای نظام آموزش و پرورش کشور را بر عهده دارد - برای تربیت اخلاقی هر یک از دوره‌های ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه هشت هدف تربیت اخلاقی را تعیین کرده و دست‌اندرکاران را به تلاش برای رسیدن به این اهداف موظف نموده است.

زمینه‌سازی

زمینه، در لغت به معنای نقشه، طرح و موضوع است. از این رو زمینه‌سازی نیز به معنای آماده کردن طرح و نقشه برای انجام دادن کاری است (عمید، ۱۳۶۷: ۷۳۹). از زمینه‌سازی

ظهور، هم آمادگی برای ظهور را می‌توان اراده کرد و هم اقداماتی را که سبب تعجیل ظهور می‌شود. بی‌گمان رفتارهایی که باعث تعجیل در ظهور می‌شوند، به معنای تأثیرگذاری عملکرد انسان‌ها در تعجیل یا تأخیر ظهور است. در واقع زمینه‌سازی، به هر دو معنای آن درست و مستند به روایات است و عملکرد انسان‌ها در غیبت و ظهور امام تأثیری مستقیم دارد. زمینه‌سازی وظیفه‌ای مستقل و متفاوت با مسئولیت‌های معهود دینی نیست، بلکه انجام دادن همین مسئولیت‌های معهود دینی، ظرفیت همراهی با امام را در مردم ایجاد می‌کند و زمینه‌های ظهور را فراهم می‌سازد (آیتی، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰).

انسان از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. در واقع انسان، هم از حیث ظاهر و هم از حیث باطن خویش تحت تأثیر شرایط قرار دارد. برای زدودن برخی از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید به دستکاری شرایط محیطی او پرداخت. نمونه‌ای از اصلاح شرایط در داستان حضرت موسی علیه السلام چنین است:

موسی علیه السلام مدتی از میان امت خویش غایب شد. در غیبت او، سامری موقعیت را مناسب دید و با عاریت گرفتن زیور و زینت مردم، گوساله‌ای زربین و فریبا پرداخت؛ آن چنان که به گفته خود آنان که به سامری روی آوردند، بی‌اختیار فریفته آن گوساله شدند^۱ و در برابر آن سربه سجده بردند و آن را معبود خویش دانستند. هنگامی که موسی علیه السلام بازگشت و امت خود را گرفتار فتنه سامری دید، او را فراخواند و گفت:

﴿فَاذْهَبْ... وَانظُرْ إِلَىٰ إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا﴾

(طه: ۹۷)

پس [از میان ما] برو... [اکنون] بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و بین ما آن را نخست می‌سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم!

حضرت موسی علیه السلام برای مهار زدن به اندیشه شرک در میان مردم - علاوه بر تبیین فکری - دست به تغییر موقعیت زد؛ سامری را از امت اخراج کرد و آثار ضلالت بار او را از متن جامعه زدود و بدین گونه مرداب را از ریشه سوزاند. بدون چنین تغییری حاصل به بار نمی‌آمد، چنان که هارون بدون آن نتوانسته بود در غیبت موسی علیه السلام فتنه را مهار کند.

۱. ﴿مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا﴾ (طه: ۸۷).

با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان گفت یکی از روش‌های تربیتی اصلاح شرایط، روش زمینه‌سازی است. زمینه‌سازی به این معناست که با اقدامات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود، بستر ظهور حضرت مهدی علیه السلام را فراهم کنیم (أصفی، ۱۴۲۷). در حرکت زمینه‌سازی، همه تلاش بر این است که به دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام نزدیک شده و ویژگی‌های عصر ظهور را در حوزه‌های مختلف به عرصه ظهور رسانیم (عمادی، ۱۳۸۸: ۸۴).

زمینه‌سازی در آموزش و پرورش

محیط تعلیم و تربیت نیز همچون خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت زمینه‌ساز است. همه محیط‌های آموزشی - اعم از مراکز نگهداری کودکان، دبستان‌ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها - باید عطر و بوی فرهنگ مهدویت داشته باشند. نقش معلم و مربی نیز در شکل‌گیری شخصیت انسان منتظر و ساختار روحی و رفتاری او نقشی کلیدی است؛ به گونه‌ای که متعلم و متربی ممکن است در تمام حرکات و سکنات خود تحت تأثیر قرار گیرد و همه چیز خود را از معلم و مربی، نمونه برداری کند.^۱ از این رو باید بدین امر توجهی تام داشت.

در واقع، هر اندازه مربیان انسان، واجد کمالات والا باشند، به همان اندازه می‌توانند نقش مثبت و کارگشایی را در رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها ایفا کنند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام اثرگذاری معنوی و روحی را در حد اعلای آن داشتند و در عصر ظهور و انسان‌های بسیار وارسته و برگزیده همراه او، چنین نقش پویایی را ایفا خواهند کرد (کارگر، ۱۳۷۸: ۹۵)؛ زیرا انسان در پرتو رشد فکری و اخلاقی راه کمال و سعادت را می‌پیماید و از گردنه‌های سخت انحراف عبور می‌کند.

روش زمینه‌سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد (باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۶). در واقع، فرهنگ زمینه‌سازی، تلاش مستمر برای شناخت ارزش‌ها و باورها و مشخص کردن اهداف، راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها با نظارت و کنترل است.

۱. «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۵۰).

اخلاق و اهداف آموزش و پرورش

اهداف اخلاقی، از جمله مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت به شمار می‌آیند. توجه به اهداف اخلاقی در تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین توصیه‌ها و دغدغه‌های جهانی است. سازمان ملل متحد در بند ۲ از ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقرر داشته است که تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی متوجه گردد و تفاهم و اغماض و مودت را بین کلیه ملل و دسته‌های نژادی و مذهبی به وجود آورد و موجب پیشرفت فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۰۴). بنابراین معلمان تنها در صورتی قادر به انجام وظیفه خود در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان خواهند بود که تصویر روشنی از اخلاقیات داشته باشند.

اخلاق و محتوای تعلیم و تربیت

از جمله ملاک‌هایی که در گزینش و ارائه محتوای تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرد، ملاک‌های اخلاقی است. اگر یکی از وظایف اساسی تعلیم و تربیت، پرورش اخلاقی متربیان و تحقق کمالات انسانی باشد، باید محتوایی متناسب با این غایت تهیه و عرضه شود (همو: ۲۰۵). امروزه در این باره که بخشی از آن چه به دانش‌آموزانتقال داده می‌شود، باید فضایل اخلاقی و مناسبات انسان دوستانه در ارتباطات گروهی و رعایت هنجارهای اخلاقی در استفاده صحیح از طبیعت باشد، بحثی نیست؛ اما باید توجه شود از ارائه مستقیم اخلاقیات پرهیز شود و کمتر اخلاقیات در قالب یک درس و یک کتاب آموزش داده شود؛ بلکه تلاش شود اخلاقیات به صورت غیرمستقیم و ضمن سایر دروس آموزش داده شود؛ چرا که در غیر این صورت، نه تنها درس اخلاق به لفاظی اخلاقی خواهد انجامید، بلکه آن هم به مانند سایر دروس، به صورت حفظی - یادسپاری و یادآوری و تکرار بدون کمترین کاربرد عملی، تدریس خواهد شد (پورظهیر، ۱۳۷۱: ۱۵۸ - ۱۷۴).

اخلاق و مقررات آموزشی و پرورشی

در حوزه آموزش و پرورش، اخلاق و قواعد اخلاقی هم در قالب نوع عمل و رفتاری که از متصدیان و مجریان و نیز مخاطبان آموزش و پرورش انتظار می‌رود و هم درباره مقررات ناظر به تحقیقات و دانش تعلیم و تربیت، تجلی ویژه‌ای دارد. از دیرباز تاکنون، اخلاقیات آموزشی - که همان رفتارهای شایسته و هنجارهای مناسبی است که استاد نسبت به شاگرد و شاگرد

نسبت به استاد باید در نظر داشته باشد - جایگاهی خاص دارند؛ امری که گاه از آن به «آداب آموزشی» (ادب معلم و استاد و ادب درس و...) تعبیر می‌شود. این آداب، گذشته از آن که فرایند یادگیری را رونق خاصی می‌بخشند، نوعی تعامل و رابطه عاطفی ویژه را در محیط آموزشی و تربیتی ایجاد می‌کنند و خود، از مؤثرترین شیوه‌های آموزشی و ترویج فضایل اخلاقی به شمار می‌آیند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۱۰).

راهکارهای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی

در این بخش، راهکارهای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با تأکید بر روش‌های آموزش اخلاق، همراه با نمونه‌هایی از سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام می‌شوند. ملاحظات اخلاقی درباره روش‌ها را می‌توان در حفظ حرمت و شخصیت انسانی، داشتن پیامدها و آثار نیک اخلاقی برای فرد و دیگران، تحقق غایات اخلاقی و کارآمدی آن‌ها دانست (همو: ۲۰۹). این راهکارها در سه دسته اخلاق‌گرایی، پاک‌سازی اخلاقی و زیباسازی اخلاقی ارائه می‌شود:

۱. توجه به اهمیت و ارزش اخلاق (اخلاق‌گرایی)

نخستین گام در تربیت اخلاقی، تثبیت ارزش و جایگاه اخلاق در دل و جان منتظر است. ابتدا منتظر باید به اهمیت این مفهوم در مسیر انتظار و رسیدن به جایگاه بلند منتظران پی برد و آن را با عمق وجود خویش درک کند. از جمله اخلاقیاتی که منتظر باید علاوه بر اخلاق‌گرایی شخصی و فردی بدان توجه داشته باشد، «اخلاق اجتماعی» است. رعایت اخلاق اجتماعی می‌تواند مکر دشمنان و نقشه‌های شیطنی استعمارگران را از بین ببرد و رضایت خداوند متعال، رسول خدا ﷺ، اهل بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه امام زمان ﷺ را به همراه داشته باشد (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۶).

از جمله راهکارهای مطرح در زمینه اخلاق‌گرایی مهدوی و در حوزه‌های اخلاق فردی و اجتماعی، ایجاد فضای اخلاقی در محیط‌های آموزشی و محبت‌مربی نسبت به مربی است.

الف) ایجاد فضای اخلاقی در محیط‌های آموزشی

یکی از روش‌های بسیار مؤثر در ایجاد زمینه مناسب برای تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور، حاکم کردن فضای اخلاقی افراد منتظر و مهدی‌ی‌آور در مدارس است. البته باید توجه داشت حاکمیت ارزش‌های اخلاقی به معنای حاکمیت از طریق اعمال فشار و زور نیست، بلکه بدین

معناست که افراد از صمیم قلب برای آن‌ها ارزش قائل شوند و آن‌ها را بپذیرند و به آن‌ها پای بند باشند. هنگامی که فضای اخلاقی مناسب به وجود آید، نسل جدیدی که در آن زیست می‌کند، به صورت عملی با ارزش‌های اخلاقی آشنا شده و بر اساس سازوکار تقلید و هم‌رنگی، آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار می‌بندد (داودی، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۷).

ب) محبت معلم نسبت به دانش‌آموز

یکی از محورهای مهم «اخلاق اجتماعی» زمینه‌ساز ظهور، برقراری روابط مناسب اجتماعی بین افراد است. از جمله عناصری که می‌تواند این روابط را در جهت زمینه‌سازی برای ظهور منجی، تعالی بخشد، محبت میان معلم و دانش‌آموز است. محبت به دانش‌آموز می‌تواند زمینه را برای تربیت اخلاقی و تأثیرگذاری مربی آماده و مساعد کند؛ بدین صورت که با ابراز محبت معلم نسبت به دانش‌آموز، بذریع محبت در دل نسل منتظر کاشته شده و به ایجاد علاقه متقابل دانش‌آموز به معلم و در نتیجه درک عمیق‌تر مسائل بیان شده درباره وجود مقدس امام عصر^{علیه السلام} می‌انجامد. خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری بین معلم و دانش‌آموز به کار می‌گیرد و در قرآن می‌فرماید:

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مائده: ۵۴)

خدا به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان هم خدا را دوست دارند.

در این آیه، «یحبُّهم» پیش از «یحبُّونه» آمده است؛ یعنی ابتدا از ابراز محبت خدا و سپس از ابراز محبت انسان نسبت به خدا صحبت شده است و این بدان معناست که ابراز محبت معلم به دل بستگی دانش‌آموز سمت و سو می‌دهد و ثمره آن، به وجود آمدن نوعی شیفتگی عمیق در مرتبه نسبت به مربی است و هنگامی که این شیفتگی حاصل شود، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به انجام برخی اعمال و با منع محبت، او را به ترک اعمالی برانگیخت.

چنان که گفته شد، محبت و مهربانی معلم نسبت به دانش‌آموز، از جمله شیوه‌هایی است که می‌تواند ثمربخشی بیشتر جریان تربیتی را در پی داشته باشد. هنگامی که بین معلم و دانش‌آموز در مدارس رابطه‌ای عاطفی برقرار شود، آموزه‌های معلم، از سوی شاگرد بسیار بهتر پذیرفته می‌شوند؛ از سوی دیگر، احترام معلم به شاگردان باعث استحکام و استمرار این رابطه شده و به نافذ بودن آن کمک می‌کند؛ در حالی که تحکم و زورمداری به بروز واکنش‌های منفی در شاگرد می‌انجامد و رابطه تربیتی را قطع می‌کند (عابدی، ۱۳۸۵: ۳۲). امیر مؤمنان

علی علیه السلام می فرماید:

الْإِنْسَانُ عَبِيدُ الْإِحْسَانِ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۸۵)
انسان بنده [محبت و] احسان است.

این علاقه و دوستی نیز زمینه را برای تأثیرپذیری از احسان کننده آماده می کند؛ زیرا قلب انسان به هر چه علاقه مند باشد، سایر اعضا و جوارح او نیز به آن متمایل می شوند و علاقه مندی نیز پذیرش و پیروی را در پی دارد.

۲. پاک سازی رذایل

دومین گام در تربیت اخلاقی زمینه ساز ظهور، «پاک سازی رذایل اخلاقی» است. از ابتدای تاریخ، طهارت و پاک سازی - چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی - مد نظر علما، اندیشمندان و بزرگان بوده است. یکی از بزرگ ترین موانع، اخلاق زشت و نکوهیده است که باید از وجود انسان پاک شود؛ پیراستگی اخلاقی و از بین بردن بدی ها و اخلاقیات ناپسند از مهم ترین ویژگی های مؤمن منتظر است که راه زمینه سازی برای رسیدن به موعود را برای او هموار می کند (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۷). با توجه به رسالت آموزش و پرورش درباره زمینه سازی برای ظهور حضرت، در این بخش به روش های اصلاح رذایل اخلاقی پرداخته می شود.

الف) روش های اصلاح رذایل

برای اصلاح رذایل اخلاقی روش های زیر می توانند مفید واقع شوند:

یکم. چشم پوشی یا اغماض: بروز ضعف ها و خطاها، شکستن عزت نفس و خرد شدن شخصیت را در پی دارد. بنابراین اغماض و چشم پوشی از آن ها می تواند شیوه ای برای تکریم شخصیت دانش آموز باشد. وقتی از کسی خطایی سر می زند یا از او احتمال خطا می دهیم، برای تربیت اخلاقی و حفظ کرامتش می توان سه مرحله در نظر گرفت (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳):

- حمل به صحت یا تفسیر به نیکوترین وجه: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

صَغَّرَ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ
أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَحْدُهَا فِي الْحَيْرِ حَمَلًا؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۳۶۲)

کار برادر دینی خود را به بهترین وجهی مقرر دار تا آن که دلیلی به دست تو آید که بر تو

چیره شود و راه توجیه را بر تو ببندد و به هیچ سخنی که از برادرت برآید بدگمان مباش تا محمل خوبی برای آن توانی یافت.

در این جا معلمان کارهای دانش‌آموزان را به بهترین شکل تعبیر و تفسیر می‌کنند و با نگاهی مثبت به آن‌ها توجه می‌نمایند.

- **تغافل و تجاهل:** در این روش، لازم است وانمود شود خطای صورت گرفته از دانش‌آموز سر نزنده است و نیز توجیهش پذیرفته شود، با این که مری به عدم صحت آن آگاهی دارد. **علی علیه السلام فرمود:**

لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهُلِ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳)

هیچ برخوردی از تجاهل [و خود را به ناآگاهی زدن نسبت به برخورد بد دیگری] خردمندانه‌تر نیست.

اصولاً بی‌توجهی و تغافل نسبت به امور کوچک و بی‌ارزش، از بزرگی قدر افراد حکایت دارد^۱ و بخشی از آرامش در زندگی و معاشرت خوب مردم در سایه تغافل تحقق می‌یابد.^۲

- **عفو و صفح:** پس از آن که خطا مسلم و آشکار شد، هنوز هم جای اغماض و چشم‌پوشی وجود دارد. اگر احتمال دهیم که عفو و گذشت از خطای دیگران باعث تنبیه و اصلاح آنان خواهد شد - که غالباً چنین است - عفو کردن بهتر است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). خداوند عفو را به مثابه سیره جاری در اجتماع توصیه می‌کند:

﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾؛ (اعراف: ۱۹۹)

[ای پیامبر! عفو و گذشت را پیشه خود ساز.

به راستی چه جایی بهتر از مدرسه و کلاس درس برای رعایت این عفو و گذشت و اغماض و چشم‌پوشی از خطاهای دانش‌آموزان؟ با این کار زمینه اصلاح شاگردان ساده‌تر فراهم می‌شود. **دوم. تذکر دادن:** در روایتی از پیامبر می‌خوانیم:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا بَلَغَهُ عَنِ الرَّجُلِ الشَّيْءَ لَمْ يَقُلْ: مَا بَالُ فُلَانٍ يَقُولُ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ يَقُولُ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَقُولُونَ كَذَا وَكَذَا؟ (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

هر گاه پیامبر ﷺ مطلع می‌شد که کسی سخنی نادرست گفته است، نمی‌فرمود: چرا

۱. «عَظَمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّعَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۸، ۶۴).

۲. «صَلَحَ شَأْنُ الْمَعَاشِ وَالْمَعَاشِرِ... ثَلَاثَانِ فِطْنَةٌ وَ ثَلَاثُ تَغَافُلٍ» (همو: ۱۸۸).

فلانی چنین و چنان گفته؛ بلکه می فرمود: چرا برخی چنین و چنان می گویند؟

از این رو، پیامبر در برابر سخنان ناشایست واکنش نشان داده و تذکر می داد؛ اما این تذکر همواره به کنایه و اشاره بود و نه مستقیم؛ زیرا تذکر مستقیم و با ذکر نام، موجب بی اعتباری متخلف می شود و این کار مانع تأثیرگذاری تربیتی روش تذکر می شود. با این حال، در مواردی نیز به صورت خصوصی تذکر می داد (همو). کلاس درس و مدرسه محلی خوب برای تذکر دادن به دانش آموزان و بهره بردن از نتایج تربیتی آن است.

سوم. وعده پاداش دادن: معلمان در مدارس، دانش آموزان را با وعده و تشویق به جایزه، نمره و ... به انجام کارهای مورد نظر خود ترغیب می کنند. در سیره معصومان علیهم السلام گاه برای اصلاح فرد متخلف، از او می خواستند قول دهد تا از آن کار دست بردارد و در مقابل آنان نیز به او وعده ای می دادند. داستان همسایه ابوبصیر که از راه حرام ثروتی به دست آورده بود و مجالس لهو و لعب تشکیل می داد و در مقابل اعتراض و تذکر ابوبصیر، از وی خواست تا وضع او را برای امام صادق علیه السلام بیان کند و برای ترک این حالت از آن حضرت راه حلی بخواهد از همین موارد است. امام علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «به همسایه ات بگو از آن کارها دست بردارد تا من بهشت را برای او تضمین کنم.» بر پایه این روایت، امام صادق علیه السلام در مقابل تعهد شخص به ترک کارهای ناشایست اخلاقی، بهشت را به او وعده می دهد و این شیوه کارگر می افتد و او از وضع پیشین خود توبه می کند (همو: ۱۵۲).

چهارم. برخورد تند: گاه هیچ یک از روش های پیش گفته در شخص مؤثر نمی افتد. در این صورت برای اصلاح رفتار متخلف، معصومان علیهم السلام از روش های تندتری استفاده می کردند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ، حَتَّى عَدَّ تِسْعَةً. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَا إِنَّكَ عَاشِرُهُمْ فِي النَّارِ! (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۸۱)

مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من پسر فلان بن فلان هستم. و اجداد خود را تا نه نسل برشمرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بدان که تو هم دهمین آن ها در آتش [جهنم] هستی.

در این جا پیامبر صلی الله علیه و آله با تفاخر به اجداد کافر - که از نظر اخلاقی امری ناشایست است - برخورد کرده و پاسخی در حد دشنام به شخص می دهد. این رفتار نشان می دهد که از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله تفاخر به نیاکان کافر عملی بسیار زشت و ناپسند است. معلمان نیز در برخی موارد از این روش استفاده می کنند.

پنجم. ایجاد فشار اجتماعی: گاه هیچ‌یک از روش‌های یادشده در اصلاح رفتار شخص مؤثر نمی‌افتد. در این صورت چه باید کرد؟ در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در چنین مواردی از روش ایجاد فشار اجتماعی استفاده شده است. از آن‌جا که انسان موجودی اجتماعی است و معمولاً بیرون از جامعه و بدون آن نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد، برای اصلاح برخی رفتارهای ناشایست فرد متخلف، می‌توان از فشار اجتماعی سود برد. یکی از انواع فشارهای اجتماعی، آگاه کردن دیگران از رفتار نادرست متخلف و دیگری قطع رابطه است. گاه معصومان علیهم‌السلام از این روش برای اصلاح رفتارهای ناشایست دیگران استفاده می‌کردند. ماجرای امام صادق علیهم‌السلام با دوست خود که در بازار کفش به غلام خود نسبت زنازاده بودن داد و امام علی با او قطع رابطه کرد، نمونه‌ای از این روش است (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۵۵).

۳. زیباسازی اخلاقی

گام بعدی در تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور، زیباسازی اخلاقی است. زیباسازی اخلاقی بدین معناست که انسان پس از آن‌که درون خود را از ناراستی‌ها و زشتی‌ها پاک کرد، شروع به آراستن وجود خود به انواع فضایل و نیکی‌ها کند. راه سبزانتظار، راهی زیباست که مبدأ و مقصدی زیبا دارد و انسان باید در وجود خود زیباسازی اخلاقی و رفتاری را نهادینه کند تا بتواند در ردیف منتظران دولت یار قرار گیرد (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۲). از این‌رو یکی از وظایف مربی در حوزه آموزش و پرورش، یاری رساندن به متربی برای ایجاد و تقویت آگاهی و بصیرت اخلاقی، پرورش تفکر اخلاقی و گرایش‌ها و عادات مطلوب اخلاقی است که در ادامه به هر یک از این راهکارها پرداخته می‌شود.

الف) آگاهی‌سازی و بصیرت‌افزایی اخلاقی

برای افزایش آگاهی‌های اخلاق و رشد بصیرت اخلاقی در متربی از روش‌های زیر می‌توان بهره برد:

یکم. روش‌های آشنا کردن دانش‌آموز با آموزه‌های اخلاقی: این روش‌ها در رشد و تقویت بصیرت اخلاقی نقشی اساسی دارد و به همین سبب، پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به آموزش معارف اخلاقی اهتمامی ویژه می‌ورزیدند. آن‌ها برای آشنا کردن مردم با آموزه‌های اخلاقی از روش‌هایی ذیل استفاده می‌کردند:

- آموزش اصول و معیارهای اخلاقی: یکی از مشکلات عمده در آموزش اخلاق این است که

چگونه می‌توان آموزه‌های اخلاقی را به شاگرد آموزش داد تا وی بتواند بدون نیاز به معلم در شرایط گوناگون، وظیفه اخلاقی خود را تشخیص دهد و بر اساس آن عمل کند. معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از روش خاصی استفاده می‌کردند که بیان معیارهای عملی است:

مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَةٌ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَةٌ فَهُوَ مُؤْمِنٌ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۷۸)

کسی که کار نیک، او را خشنود و کار بد، او را ناخشنود سازد مؤمن است.

در روایت بالا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خشنودی از کارهای نیک و ناخشنودی درونی از کارهای زشت را نشانه ایمان واقعی می‌داند. این معیار برای همه قابل استفاده است و هر کس با اندکی دقت و توجه به حالات خود می‌تواند تشخیص دهد تا چه اندازه به دستوره‌های اسلام، از جمله دستوره‌های اخلاقی آن پای بند است (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

در روایتی آمده است:

دَعُ مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۱۷۱)

آن چه را در درستی آن شک داری رها کن، به آن چه در درستی آن شک نداری عمل کن.

در این روایت، قاعده یقین مطرح شده است. هر گاه در درستی کاری شک داشتی آن را رها کن و کاری را انجام بده که در شایسته بودن آن تردید نداری. این قاعده نیز به آسانی مانع آلوده شدن شخص به رفتارهای ناشایست می‌شود.

- تبیین جهان بینی و فلسفه ارزش‌های اخلاقی: نظام آموزشی می‌تواند در کتاب‌های درسی به تبیین جهان بینی و فلسفه ارزش‌های اخلاقی پرداخته و عملاً معلمان و دانش‌آموزان را با این موضوع مهم آشنا کند. یکی از موضوعات قابل توجه در سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ این است که آنان برای آموزش بنیان‌های اخلاق و تربیت اخلاقی اهمیت بسیاری قائل شده و در فرصت‌های مقتضی می‌کوشیدند جهان بینی اسلامی را - که زیربنای اخلاق و تربیت اخلاقی اسلامی است - به متریبان آموزش دهند. در روایتی آمده است:

فَيَسُّ بْنُ عَاصِمٍ الْمُتَقَرِّيَّ يَقُولُ: قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَفْدٍ مِنْ جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ فَقَالَ لِي: اَعْتَسِلْ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ فَفَعَلْتُ ثُمَّ عَدْتُ إِلَيْهِ وَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَظَمْنَا عِظَةً نَنْتَفِعُ بِهَا. فَقَالَ: يَا قَيْسُ! إِنَّ مَعَ الْعَرِّ ذُلًّا وَإِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا وَإِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا وَإِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ تَوَابًا وَلِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا وَإِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابًا وَإِنَّهُ يَا قَيْسُ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ قَرِينٍ يُدْفِنُ مَعَكَ وَهُوَ حَيٌّ وَتُدْفَنُ مَعَهُ وَأَنْتَ مَيِّتٌ فَإِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ وَإِنْ كَانَ لَيْئِيمًا أَسْلَمَكَ لَا يُحَسِّرُ إِلَّا مَعَكَ وَلَا تُحَسِّرُ إِلَّا

مَعَهُ وَلَا تُسْأَلُ إِلَّا عَنْهُ وَلَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ فَلَا تَجْعَلُهُ إِلَّا صَالِحًا فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ صَالِحًا لَمْ تَأْتَسْ إِلَّا بِهِ وَإِنْ كَانَ فَاحِشًا لَا تَسْتَوْحِشُ إِلَّا مِنْهُ وَهُوَ عَمَلُكَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۱۷۶)

قیس بن عاصم منقری می‌گوید: با جمعی از بنی تمیم به خدمت پیامبر ﷺ رسیدیم. پیامبر ﷺ به من فرمود: دستت را با آب و سدر بشوی. من این کار را انجام دادم و برگشتم و گفتم: ای رسول خدا، ما را موعظه‌ای کن تا از آن بهره مند شویم. فرمود: ای قیس، با هر عزتی ذلتی است و با هر حیاتی مرگی و با هر دنیایی آخرتی و همراه هر چیزی حساب کننده‌ای است و بر هر چیزی مراقبی. هر کار نیکی ثواب دارد و هر کار زشتی عذاب و هر عمر و اجلی ثبت شده است. ای قیس، به ناچار همراهی داری که با تو دفن می‌شود در حالی که زنده است و تو با او دفن می‌شوی در حالی که مرده‌ای. اگر همراه تو بزرگواری باشد، تو را بزرگ می‌دارد و اگر پست باشد، تو را وامی‌نهد. جز با تو محشور نمی‌شود و تو نیز جز با او محشور نمی‌شوی و از تو نمی‌پرسند جز از آن و برانگیخته نمی‌شوی جز با آن. پس همراه خود را صالح و شایسته قرار ده که اگر شایسته باشد، جز با آن انس نمی‌گیری و اگر زشت باشد جز از آن وحشت نمی‌کنی و این همراه تو عمل توست.

پیامبر ﷺ در این روایت، با بیانی زیبا ابتدا پایه‌های تربیت اخلاقی را بیان می‌کند، سپس قیس را به عمل نیکو فرامی‌خواند و از عمل زشت برحذر می‌دارد.

- بیان عواقب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی: از دیگر روش‌های آشنا کردن دانش‌آموز با آموزه‌های اخلاقی، بیان پیامدها و نتایج اعمال اوست. آثار مهم تربیتی آگاهی از رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی عبارت‌اند از: افزایش آگاهی و بصیرت اخلاقی دانش‌آموز، تقویت قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح اخلاقی دانش‌آموز و همچنین ایجاد یا تقویت انگیزه برای عمل اخلاقی. بیان عواقب اعمال مختلف در سیره تربیتی امامان معصوم علیهم‌السلام فراوان به چشم می‌خورد. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَفْصَ يُورِثُ الْعَنَى؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۴، ۵۳)

میراث اسراف، نیازمندی و میراث میانه‌روی، بی‌نیازی است.

همچنین، امیر مؤمنان علی علیه‌السلام درباره عفت می‌فرماید:

بِالْعَفَافِ تَزْكُو الْأَعْمَالُ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۰۵)

اعمال انسان با عفت ورزیدن، [از لودگی] پاک می‌شود.

نظام آموزشی از طریق کتاب‌های درسی و معلمان می‌تواند به این مورد توجه جدی کند.
- بیان داستان‌های اخلاقی: یکی از سبک‌های تربیتی معروف، سبک داستان‌سرایی است.

روشن است هنگامی که داستان در قالب عاطفی مؤثری قرار گیرد، در روح انسان اثر خواهد داشت و داستانی که مفهوم و هدف اخلاقی مهیجی داشته باشد، در اعماق نفس انسان تأثیر می‌گذارد.

باری، داستان خوب، خواننده یا شنونده را به خیرخواهی و نیکوکاری متمایل می‌سازد و در او نفوذ می‌کند. در قرآن نوعی داستان‌های تربیتی به چشم می‌خورد که از لحاظ اهمیت در روابط اخلاقی و انسانی و علاقه‌های روحی، مقام خاصی دارند؛ افزون بر این که این داستان‌ها با سبک زیبا و بلاغت معنا همراه است (جمالی، ۱۳۶۰). معلمان با استفاده از داستان‌های دینی در بیان مطالب نظری در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه می‌کنند و بدین ترتیب بهتر می‌توانند در آن‌ها نفوذ کنند و نهایتاً این روش، یکی از راه‌های تعمیق تربیت دینی است. قصه‌گویی یکی از مهم‌ترین ابزارهای الهی در القا و آموزش گزاره‌های دینی به بشر است. هنر قصه‌گویی یکی از روش‌های تربیتی است تا آن‌جا که می‌توان قصه‌گویی را بهترین روش تعلیم و تربیت در کودکان و نوجوانان به شمار آورد که در تربیت و پرورش غیرمستقیم کودکان نقشی بسیار مهم دارد. هنر و تعلیم و تربیت از آغاز آفرینش انسان با یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ این دو، تأثیر و تأثر عمیق و استواری بر یکدیگر دارند، به گونه‌ای که مانایی و پایایی هنر به رعایت تعلیم و تربیت و آغاز آن - که کلمه و کلام است - به استفاده از هنر منوط است. هنر همواره از ملزومات آموزش و پرورش در هدایت انسان به سوی کمال و رشد و تعالی هنر در گرو آموزش و پرورش است (بختیاری و خلجی، ۱۳۹۱). اصرار قرآن بر قصه‌گویی و قصه‌خوانی هر خواننده‌ای را به وجد و شگفتی وامی‌دارد. انسان از خود می‌پرسد: مگر قصه چیست و چه می‌کند که آفریدگار هستی در آخرین پیام به آفریده خویش این چنین قصه می‌گوید و او را به تأمل در قصه‌ها فرا می‌خواند؟ در واقع، پاسخ این پرسش را باید در مفهوم و معنای قصه در قرآن و شیوه قصه‌نویسی قرآن جست‌وجو کرد (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۸).

داستان‌گویی شیوه‌ای است که در عین جذابیت و همراه کردن شنونده با خود، زمینه‌ای عاطفی برای پذیرش اغراض داستان فراهم می‌کند. قرآن کریم از داستان برای تربیت اخلاقی انسان‌ها، بسیار استفاده کرده است. داستان در همه مراحل سنی مفید و مورد توجه است؛ البته محتوای داستان باید متناسب با سطح اطلاعات شنوندگان باشد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۸۹). اهداف قصه‌گویی در قرآن شامل عبرت و پند گرفتن، بیان واقعیت‌ها بدون دروغ و افترا، بیان و تجزیه و تحلیل حقایق امور و فراهم آوردن وسیله‌ای برای هدایت و

رحمت است.^۱

استفاده مناسب و به موقع از داستان - به ویژه داستان‌های قرآنی یا داستان‌های مربوط به ائمه طاهرين عليهم السلام و بزرگان دین - در مقبولیت سخنان، تأثیری حیرت‌انگیز ایجاد می‌کند. از جمله داستان‌های هابیل و قابیل، موسی عليه السلام و فرعون، آدم و حوا عليهما السلام، یوسف عليه السلام و برادران و... (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۹۰). حتی خواننده یا شنونده به صورت ناخواسته و غیرعمدی، خود را با قهرمانان داستان مقایسه می‌کند. اگر قهرمانان داستان در موقعیتی برتر از وی باشند، آرزو می‌کند او نیز در موقعیت قهرمان داستان باشد؛ ولی اگر قهرمانان داستان وضعیتی نامطلوب و ناخوشایند داشته باشند، از وضعیت خود راضی خواهد بود و به آن افتخار خواهد کرد. افزون بر همه این‌ها، انسان‌ها - به ویژه کودکان - می‌کوشند رفتارهای قهرمانان داستان را تقلید کنند (همو: ۱۳۲). آموزش و پرورش کشور در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان می‌تواند انواع داستان‌های اخلاقی را قرار دهد و معلمان نیز می‌توانند در کلاس‌ها به بیان داستان‌های اخلاقی اقدام کنند.

دوم. پرورش تفکر اخلاقی: مدارس از بهترین مکان‌ها برای پرورش تفکر اخلاقی و دانش‌آموزان آماده پرورش تفکر اخلاقی هستند. روش‌های زیر به پرورش تفکر اخلاقی کمک می‌کند:

- **تشویق به تفکر در مسائل اخلاقی:** تفکر در انسان از جایگاه والایی برخوردار است. به گونه‌ای که برخی مهم‌ترین وجه امتیاز انسان را بر دیگر موجودات، برخورداری وی از توانایی تفکر می‌دانند. امیرمؤمنان عليه السلام می‌فرماید:

عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحُ الْأَعْمَالِ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۷)

تورا به تفکر سفارش می‌کنم که از گمراهی به هدایت رهنمون می‌شود و اعمال را اصلاح می‌کند.

تفکر در اعمال و رفتار از منظر معصومان عليهم السلام این نتیجه را در پی دارد که حسن و قبح اعمال را مشخص می‌کند و از این طریق قدرت اندیشه اخلاقی را تقویت و رشد می‌دهد

۱. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ «به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آن چه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشن‌گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.» (یوسف: ۱۱۱)

(داوودی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

- تشویق به تفکر پیش از اقدام به عمل: اندیشیدن در رفتار پیش از انجام آن، نقشی مهم در تشخیص حسن و قبح آن و جلوگیری از درافتادن به وادی انحرافات اخلاقی دارد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

وَإِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُتَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ فَإِن كَانَ خَيْرًا أَبَدَاهُ وَإِن كَانَ شَرًّا وَارَاهُ وَإِنَّ الْمُتَافِقَ يَتَكَلَّمُ بِمَا أَتَى عَلَى لِسَانِهِ لَا يَدْرِي مَا ذَا لَهُ وَمَا ذَا عَلَيْهِ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۳: خطبه ۱۷۶)

قلب مؤمن در پس زبان اوست و زبان مؤمن در پس قلب او؛ زیرا مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید، در آن اندیشه می کند؛ اگر خوب بود، اظهارش می کند و اگر بد بود، مخفی اش می دارد. اما منافق آن چه برزانش بیاید می گوید و نمی داند چه سخنی بر زبان او و چه سخنی به سود اوست.

- بحث و گفت و گو درباره مسائل اخلاقی: پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره خود، با متربی گفت و گو می کند، هم ارزش های اخلاقی را به متربی آموزش می دهد و سطح آگاهی او را بالا می برد و هم از این راه، سطح تفکر اخلاقی آن ها را به مراحل بالاتری ارتقا می دهد و توجه آن ها را به جنبه هایی از امور اخلاقی - که تا آن زمان برای آن ها مغفول بوده است - جلب می کند (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

ب) پرورش گرایش ها و عادت های مطلوب اخلاقی

بخش زیادی از وقت دانش آموزان در مدارس و سایر محیط های آموزشی می گذرد. دانش آموزان در حال کسب گرایش ها و عادت های اخلاقی در مدارس هستند. از این رو بر معلمان و سایر دست اندرکاران نظام آموزشی فرض است که پرورش گرایش ها و عادت های مطلوب اخلاقی را مورد نظر قرار دهند. روش های زیر می تواند به پرورش گرایش های مطلوب اخلاقی بینجامد:

یکم. ترغیب و ترهیب: «ترغیب»، ایجاد میل و رغبت نسبت به چیزی و «ترهیب»، همان ایجاد خوف و ترس نسبت به چیزی در یک یا چند فرد است. این دو از روش هایی هستند که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام برای ایجاد انگیزه و گرایش در مردم به کارهای نیک و ایجاد نفرت و کراهت در آنان نسبت به کارهای زشت و به دنبال آن، بازداشتن ایشان از کارهای ناشایست اخلاقی به کاررفته است. امام صادق علیه السلام درباره رسیدگی به برادران

ایمانی می‌فرماید:

مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ؛ (مجلسی،
۱۴۰۴: ج ۷۱، ۲۸۶)

کسی که در پی برآوردن نیاز برادر مؤمن خود است، خداوند نیز تا هنگامی که وی در این کار است، در پی تأمین نیازهای اوست.

بازخورد مثبت به رفتارهای اخلاقی سبب می‌شود در دانش آموز نسبت به رفتارهای پسندیده میل و اشتیاق و نسبت به رفتارهای ناپسند نفرت و کراهت به وجود آید. میل و اشتیاق، منشأ انگیزه اقدام به رفتارهای شایسته و نفرت و کراهت، سرآغاز انگیزه ترک رفتارهای ناپسند می‌شود؛ زیرا انسان طبیعتاً به آن چه به او سودی می‌رساند گرایش دارد و به دنبال آن است و از آن چه به او زیانی می‌رساند متنفر است و از آن پرهیز می‌کند.

دوم. تحریک انگیزه‌های ایمانی: یکی دیگر از روش‌های معصومان علیهم‌السلام برای پرورش عادت‌های مطلوب اخلاقی، روش تحریک ایمان است. در این روش، آنان با توسل به ایمان و اعتقادات دینی متریبان و تحریک آن، آن‌ها را به رفتارهای اخلاقی سوق می‌دهند. دوری کردن از مجالس لهو و لعب و گوش ندادن به غنا و موسیقی‌های مناسب مجالس لهو و لعب، یکی از ارزش‌های اخلاقی اسلامی است که در متون دینی بر آن بسیار تأکید شده است. با این حال، معصومان علیهم‌السلام برای ترغیب مردم به دوری کردن از این رفتار ضد اخلاقی از مایه‌های ایمانی آنان استفاده می‌کردند (همو: ۱۴۰).

سوم. ارائه الگو: پدر و مادر و پس از آن معلمان و مربیان، نخستین الگوهای دانش‌آموزان هستند. نکته تربیتی مهم این است که افراد دارای موقعیت مهم، موفقیت زیاد، دانش و تخصص بالا یا دارای تعالی معنوی، غالباً نظر دیگران را به خود جلب می‌کنند و برای آنان سرمشق می‌شوند. خوشبختانه در نظر دانش‌آموزان، غالباً معلمان و والدین دارای این ویژگی‌ها یا برخی از آن‌ها هستند. اما به هر حال فقدان این برتری و برجستگی در ابعاد معنوی، علمی و اجتماعی، متریبان را به سمت دیگران می‌کشاند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).
امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْأَقْبِدَاءِ يَه؛ (شریف رضی، ۱۳۸۳: خطبه
۱۹۲)

[پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] هر روز یکی از مکارم اخلاقی خود را برای من آشکار می‌ساخت و مرا به پیروی از آن امر می‌کرد.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

يُحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۱۷۸)
کودکان، با خوبی‌ها و شایستگی‌های والدینشان حفظ می‌شوند.

حتی معلمان می‌توانند با معرفی اسوه‌های اخلاقی و انسانی در گذشته، آنان را حیات مجدد بخشند. قرآن کریم برای بهره‌برداری از این شیوه، بسیار غنی است؛ به ویژه آن که غالب الگوهای قرآنی، جوان و تأثیرگذارند. این الگوها عبارتند از: یوسف علیه السلام قهرمان مقاومت در مقابل شهوت؛ جوانان کهف، اسوه‌های مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت؛ اسماعیل علیه السلام نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا و... (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

امیرمؤمنان علی علیه السلام صفات ناپسندی همچون بخل، جهل، ستم، تجاوز و رشوه را برمی‌شمارد که مسئولان باید از آن‌ها دور باشند. ایشان می‌فرماید:

وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالِدِمَاءِ وَالْمَعَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَ
إِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ تَهْمَةٌ وَلَا الْجَاهِلُ فَيُضِلَّهُمْ بِجَهْلِهِ وَلَا
الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ وَلَا الْحَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَلَا الْمُرْتَشِي فِي
الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحُقُوقِ وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمُقَاتِعِ وَلَا الْمَعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيُهْلِكَ الْأُمَّةَ؛ (شریف
رضی، ۱۳۸۳: خطبه ۱۳۱)

و همانا دانستید که شایسته و سزاوار نیست کسی که بر ناموس، خون، غنیمت و پیشوایی مردم ولایت دارد، بخیل باشد؛ زیرا در آن حال در اموال مردم به شدت تصرف می‌کند؛ و نباید نادان باشد تا به سبب آن مردم را گمراه سازد؛ و نباید ستمکار باشد تا آنان را پریشان روزگار نماید؛ و نباید تجاوزگر در مال مردم باشد تا گروهی را در عطا بر دیگری ترجیح دهد؛ و نه در حکم رشوه گیرد تا حقوق مردم از بین برود و بی توجه به حدود الهی حکم دهد؛ و نه ضایع کننده سنت که باعث هلاکت امت شود.

چهارم. توصیه به وادارسازی رفتارهای پسندیده بر نفس: هرگاه دانش‌آموزی که به رفتارهای بد اخلاقی خو گرفته است، خود را به رفتارهای خوب اخلاقی وا دارد، به تدریج با آن خو گرفته و لذت آن را درمی‌یابد. در این هنگام است که خودبه‌خود و بدون نیاز به عامل بیرونی، رفتارهای اخلاقی را انجام داده و از رفتارهای ضد اخلاقی دوری می‌کند (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۶۱).
از این رو علی علیه السلام به فردی که عادت بر انجام رذایل داشت می‌فرماید:

أَكْرَهَ نَفْسَكَ عَلَى الْفَضَائِلِ فَإِنَّ الرَّذَائِلَ أَنْتَ مَطْبُوعٌ عَلَيْهَا؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۷)
خودت را بر فضایل وادار کن که نفس بر رذایل سرشته شده است.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

إِذَا لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۱۲)
اگر بردبار نیستی، حداقل رفتار حلیمانه داشته باش.

پنجم. امر به فضیلت‌ها و نهی از رذیلت‌ها: در امر و نهی، جنبه اقناعی کم‌رنگ‌تر و جنبه فشار بیرونی برای واداشتن فرد به عمل بارزتر است. امر و ناهی درصددند با فشار از بیرون، فرد را به عمل وادار کنند؛ خواه وی از صمیم قلب مایل به آن کار باشد یا نباشد. امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها دو نقش عمده در تربیت اخلاقی دارند: درونی شدن ارزش‌های اخلاقی و حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه. در تربیت اخلاقی، هم باید از عوامل درونی - که در فرد شور و شوق و انگیزه درونی و آگاهی ایجاد می‌کند - استفاده کرد و هم باید از عوامل بیرونی - که از بیرون، فرد را به سوی رفتارهای اخلاقی سوق می‌دهند - مدد گرفت. همچنین باید دانست که افراد انسانی در تأثیرپذیری از روش‌ها با یکدیگر تفاوت دارند؛ عده‌ای از روش‌های ترغیب و ترهیب و مانند آن و گروهی نیز از روش امر و نهی و مانند آن بیشتر تأثیر می‌پذیرند.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

الْعَجْرُ آفَةٌ وَالصَّبْرُ شَجَاعَةٌ وَالزُّهْدُ تَزْوَةٌ وَالْوَرَعُ جُنَّةٌ وَنِعْمَ الْقَرِينُ الرِّضَا؛ (شریف‌رضی، ۱۳۸۳: ۴۴۴، حکمت ۴)

واماندگی، بلاست. صبر، شجاعت است و پارسایی، ثروت؛ پرهیز از گناه، سپر [از سقوط در مفاسد] است و بهترین همنشین، خشنودی است.

همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ (همو: ۴۵۵، حکمت ۷۱)
آن‌گاه که عقل کامل شد، حرف کم می‌شود.

در واقع کسی که عاقل شد، بر نیروهای خود تسلط می‌یابد و نیروهای خود از جمله نیروی بیان را بی‌مورد مصرف نمی‌کند، بلکه می‌کوشد در جای خود مصرف نماید تا هنگامی که نامه اعمالش باز می‌شود شرمنده نگردد.

ششم. نظارت و مراقبت: عبدالله بن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند و می‌گوید:

أتانا رسول الله صلی الله علیه و آله فی بیتنا وأنا صبی؛ قال: فذهبت أخرج لالعب، فقالت أُمی: یا عبدالله! تعال أعطک، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: وما أردت ان تعطیه؟ قالت: أعطیه تمرًا. قال:

فقال رسول الله ﷺ: أما انك لو لم تفعلني ككذبك كذبه؛ (داودی، ۱۳۸۹: ۱۴۷ به نقل از ابن حنبل)

زمانی که کودک بودم، پیامبر ﷺ به منزل ما آمد و من رفتم تا از منزل بیرون بروم و بازی کنم که مادرم گفت: عبدالله، بیا تا چیزی به تو بدهم. پیامبر ﷺ فرمود: می خواهی چه چیزی به او بدهی؟ مادرم گفت: خرما می دهم. پیامبر ﷺ فرمود: اگر چنین نکنی، یک دروغ بر تو نوشته می شود.

در این روایت، رسول خدا ﷺ بر رفتار مادر عبدالله نظارت کرده و او را از خلف وعده باز می دارد و این نشان می دهد احتمالاً در آن زمان مادران با دادن وعده های دروغ، کودکان را به انجام رفتارهای مطلوب وامی داشتند. از این رو پیامبر ﷺ به مادر عبدالله تذکر می دهد که مبادا خلف وعده کند که این کار زشت است و دروغی بر او نوشته می شود. معلمان نیز در برابر دانش آموزان نباید خلف وعده کنند یا قول هایی بدهند که قرار نیست آن را عملی کنند یا نمی توانند آن را عملی نمایند.

نتیجه

توجه به اهداف اخلاقی در تعلیم و تربیت، از مهم ترین توصیه ها و دغدغه های آموزش و پرورش در جهان است. تربیت اخلاقی زمینه ساز به معنای پرورش ملکات فاضله انسانی و تقویت روحیه ایمانی و ارزش گرایی در شخص منتظر است. منتظر واقعی تنها در پرتو تقوا و اخلاق الهی می تواند به امام معصوم خود نزدیک شده و در مسیر هدایت قرار گیرد. دوری از اخلاق الهی و پیروی از نفس در اخلاقیات، انسان را از مسیر هدایت دور کرده و در نهایت از صف منتظران واقعی خارج می سازد.

راهکارهای زمینه سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با تأکید بر روش های آموزش اخلاق، همراه با نمونه هایی از سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در سه دسته اخلاق گرایی، پاک سازی اخلاقی و زیباسازی اخلاقی ارائه گردید. نخستین گام در تربیت اخلاقی، تثبیت ارزش و جایگاه اخلاق در دل و جان منتظر است. ابتدا منتظر باید به اهمیت این مفهوم در مسیر انتظار و رسیدن به جایگاه بلند منتظران پی برده، آن را با عمق وجود خویش درک کند. از جمله اخلاقیاتی که منتظر باید افزون بر اخلاق گرایی شخصی و فردی بدان توجه داشته باشد، «اخلاق اجتماعی» است. رعایت اخلاق اجتماعی می تواند مکر دشمنان و نقشه های شیطانی استعمارگران را از بین ببرد و رضایت خداوند متعال، رسول خدا ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و

به ویژه امام زمان علیه السلام را به همراه داشته باشد. از جمله راهکارهایی که در زمینه اخلاق‌گرایی مهدوی و در حوزه‌های اخلاق فردی و اجتماعی مطرح می‌شود، ایجاد فضای اخلاقی در محیط‌های آموزشی و محبت معلم نسبت به دانش‌آموز است. دومین گام در تربیت اخلاقی زمینه‌ساز ظهور، «پاک‌سازی اخلاقی» است. از ابتدای تاریخ، طهارت و پاک‌سازی - چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی - مد نظر علما، اندیشمندان و بزرگان بوده است. همچنین گفته شد که از بزرگ‌ترین موانع تربیت زمینه‌ساز، اخلاق زشت و نکوهیده است که باید از وجود متریبان پاک شود؛ زیرا پیراستگی اخلاقی و از بین بردن بدی‌ها و اخلاقیات ناپسند از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمن منتظر است که راه زمینه‌سازی برای رسیدن به موعود را برای او هموار می‌کند. با توجه به رسالت آموزش و پرورش درباره زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در گام نخست، راهکارهایی مهم همچون چشم‌پوشی یا اغماض، حمل به صحت یا تفسیر به نیکوترین وجه، تغافل و تجاهل، عفو و صفح، تذکر دادن، وعده پاداش دادن و ایجاد فشار اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. در گام بعدی به زیباسازی اخلاقی توجه شد. زیباسازی اخلاقی بدین معناست که انسان پس از آن که درون خود را از ناراستی‌ها و زشتی‌ها پاک کرد، شروع به آراستن وجود خود به انواع فضایل و نیکی‌ها کند. راه سبز انتظار، راهی زیباست که مبدأ و مقصدی زیبا دارد و انسان باید در وجود خود زیباسازی اخلاقی و رفتاری را نهادینه کند تا بتواند در ردیف منتظران دولت یار قرار گیرد. از این رو یکی از وظایف معلم در حوزه آموزش و پرورش، کمک و یاری رساندن به متریبی برای ایجاد و تقویت آگاهی و بصیرت اخلاقی، پرورش تفکر اخلاقی و گرایش‌ها و عادات مطلوب اخلاقی است. برای افزایش آگاهی و بصیرت اخلاقی به آموزش اصول و معیارهای اخلاقی، تبیین جهان‌بینی و فلسفه ارزش‌های اخلاقی، بیان عواقب و پیامدهای رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی و بیان داستان‌های اخلاقی پرداخته شد. برای پرورش تفکر اخلاقی نیز بر روش‌های تشویق به تفکر در مسائل اخلاقی، تشویق به تفکر پیش از اقدام به عمل، بحث و گفت‌وگو درباره مسائل اخلاقی و درباره ایجاد گرایش‌ها و عادات مطلوب اخلاقی، روش‌های ترغیب و ترهیب، تحریک انگیزه‌های ایمانی، ارائه الگو، توصیه به وادارسازی رفتارهای پسندیده بر نفس، امر به فضیلت‌ها و نهی از ردیلت‌ها و همچنین نظارت و مراقبت تأکید شد. نظام آموزشی، معلمان و سایر دست‌اندرکاران با توجه و انجام دادن راهکارهای ذکر شده می‌توانند وظیفه خود را انجام داده و به دانش‌آموزان و جامعه برای ایجاد جامعه‌ای منتظر کمک کنند.

منابع

- آصفی، محمد مهدی، *الانتظار الموجه؛ دراسة فی علاقة الانتظار بالحركة و فی علاقتها به*، قم، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ۱۴۲۷ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- آیتی، نصرت الله، «زمینه سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۱۹، ۱۳۹۰ ش.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۱ ش.
- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱ ش.
- پورظهیر، علی نقی، «آموزش اخلاق در دبستان»، *مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی*، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۱ ش.
- حائری شیرازی، محیی الدین، *اخلاق اسلامی*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- حاجی ده آبادی، محمد علی، *چشم اندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش*، کتاب دوم تربیت اسلامی، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- داودی، محمد، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (تربیت اخلاقی)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
- دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، *اخلاق اسلامی*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۳ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المکتب المرتضوی لاحیاء آثار المرتضوی، ۱۳۶۶ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات آل علی، ۱۳۸۳ ش.
- ضرابی، عبدالرضا، «تربیت محبت محور»، *اسلام و پژوهش های تربیتی*، سال سوم، ش ۱، ۱۳۹۰ ش.
- عابدی، لطفعلی، «روش های تربیتی از منظر نهج البلاغه»، *مصباح*، ش ۶۲، ۱۳۸۵ ش.
- عمادی، عبدالله، «نقش روان شناسی در دولت زمینه ساز ظهور»، *مشرق موعود*، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.

- فیروزآبادی، سید حسن، *راهبردهای تربیت نسل مطهر در عصر انتظار ظهور*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲ ش.
- کارگر، رحیم، *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- کیانی، علی اصغر، *تربیت نسل منتظر*، قم، انتشارات خاکیز، ۱۳۸۸ ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *نقش تقلید در زندگی انسان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
- نصر اصفهانی، محمد، *فلسفه اخلاق و تربیت*، قم، دبیرخانه مجمع گروه‌های معارف اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- هاشمی ورکاوندی، مجتبی، *تربیت و شخصیت انسان*، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۶۷ ش.